

مبدأ تشیع در یمن

تقریباً منابع اتفاق نظر دارند که تشیع در یمن ریشه در سفر نسبتاً طولانی امام علی (ع) در سال پایانی زندگی رسول خدا (ص) به یمن دارد، سفری که نوعی مأموریت دینی - سیاسی بود و نقش مهمی در مسلمان شدن مردم آن ناحیه ایفا کرد. براساس این اخبار، رسول خدا (ص) ابتدا خالد بن ولید را به یمن فرستاد. او شش ماه در یمن ماند، اما کسی اسلام نیاورد. در این وقت رسول خدا (ص) علی بن ابی طالب (ع) را به یمن گسیل کرد. حضرت مردم را جمع کرده نامه پیامبر (ص) را بر آنان خواند. به دنبال آن همگی قبیله همدان اسلام آوردند (تاریخ الاسلام ذهی: ۶۹۰/۲). رفتار مناسب امام علی (ع) در یمن در جمع آوری زکات (مغازی واقدی: ۱۰۸۵/۲) و تأییدهای فراوان رسول خدا (ص) از احکام قضایی آن حضرت در یمن، به ویژه برابر مخالفان و منتقدان امام علی (ع) به یمنی ها ثابت کرد که حضرت رسول (ص) امام علی را به طور کامل تأیید می کند (بنگرید: مغازی واقدی: ۱۹۸۶/۱). تأثیر این مسأله چنان بود که همدانیان از همان زمان با علی بن ابی طالب پیوند دوستی یافتند و بعدها جزو نخستین حامیان او در عراق بودند.

در حال حاضر گفته می شود که در شهر صنعای یمن، مسجدی هست که تأسیس آن به سال هشتم - نهم هجری مربوط و بانی آن زنی به نام فاطمه از قبیله همدان است. گفته اند: وی نخستین زن یمنی است که به دست امام علی علیه السلام اسلام آورد. این مسجد هم اکنون به عنوان مسجد امام علی (ع) شهرت دارد.

قبیله همدان یکی از بزرگترین قبایل جنوبی است که در عراق منشأ تحولات مهمی بود. این قبیله همان زمان که در یمن بود، نسبت به امام علی (ع) علاقه مند بود. زمانی که امام در کوفه مستقر شد و به دنبال مقدمات جنگ صفین، مردمان این قبیله در جبهه امام علی (ع) استوار و پایدار ماندند. شعر زیر یادگاری بس بزرگ از زبان امام علی (ع) نسبت به همدانی هاست که فرمود:

فَلَوْ كُنْتُ بَوَّابًا عَلَى بَابِ جَنَّةٍ لَقُلْتُ لِهَمْدَانَ ادْخُلُوا بِسَلَامٍ

اگر من بواب در بهشت بودم، همانا به همدان می گفتم که به سلامت وارد شوید (مروج الذهب:

۸۵/۳).

طرفداران امام علی (ع) در یمن، درست در زمانی که حتی در مکه و مدینه غالب فرزندان مهاجرین و مردم، مخالف امام بودند، فراوان بودند. به همین دلیل در جریان حمله سپاه شام به فرماندهی بُسَربن اِطِطَات به یمن در اواخر دوران امام علی (ع) تعداد زیادی از شیعیان به قتل رسیدند که از آن جمله دو فرزند عبیدالله بن عباس حاکم امام علی (ع) در یمن بودند.

از همان روزگار، تشیع در یمن و در میان یمنی های عراق‌ریشه دوانید و بعدها استمرار یافت. از دیگر قبایل شیعی یمن که هم در یمن بودند و هم در عراق، قبیله مذحج بود. شاخه بنی نزع که مالک بن اشتر از آن تیره بود همانند بیشتر یمنی های مقیم عراق بر مذهب تشیع بودند. همراهی مالک بن اشتر با امام علی (ع) به عنوان یکی از نزدیک ترین اصحاب آن حضرت و نیز ابراهیم اشتر با مختار در ادامه همین گرایش در میان یمنی هاست.

یمن تا قرن سوم زیر سلطه عباسیان بود و حرکت شیعی اعم از زیدی و اسماعیلی از نیمه های قرن سوم به طور جدی در آن مطرح شد. درباره حرکت زیدیه، باید گفت، افزون بر پیشینه قیام های قرن دوم، از زمانی که حسن بن زید در نیمه قرن سوم در طبرستان پیروزی هایی به دست آورد، زیدیه فعال تر شدند. خواهیم دید که میان زیدیه یمن و طبرستان پیوند نزدیکی وجود داشت.

نخستین دولت زیدی در یمن

آغاز ورود مرام زیدی به یمن مربوط به سال ۱۹۹، زمانی است که ابن طباطبا در کوفه قیام کرد. وی یکی از علویان با نام ابراهیم بن موسی را به یمن فرستاد، چنان که قاسم بن ابراهیم برادرش را به مصر گسیل کرد. این قاسم که همان قاسم رسی - منسوب به رس، کوه سیاهی در اطراف مدینه در نزدیکی ذوالحلیفه - یکی از فقیهان و متکلمان بزرگ زیدیه است که در سال ۲۴۶ در رس زادگاهش در نزدیکی مدینه درگذشت. آثار قبرستانی که وی در آن مدفون است تاکنون باقی است و از وی رسائل چندی برجای مانده است. این حرکت در یمن شکست خورد، هرچند تا مدتها گرایش مذهبی او طرفدار داشت. مذهب وی را در میان زیدیه به عنوان قاسمیه می شناختند. گام بعدی زیدیه در یمن که منجر به تشکیل دولت زیدی شد، مربوط به سال ۲۸۰ است، زمانی که یحیی بن حسین معروف به الهادی الی الحق، پس از ناکامی در طبرستان به دلیل مخالفت محمد بن زید علوی با او، به یمن عزیمت کرد. وی در سال ۲۸۴ نخستین دولت زیدی را در صعده تشکیل داد. وی تا سال ۲۹۸ که درگذشت، یکسره بر سر صنعا و نجران و شهرهای دیگر با عاملان عباسی که برخی از دولت های کوچک محلی بودند و سپس با اسماعیلیان درگیر بود. در این میان بیشتر درگیری های وی با اسماعیلیه بود؛ به طوری که گفته اند قریب هشتاد جنگ با آنان داشت.

هادی به رغم آن که چندان توفیقی در حفظ متصرفات خود نداشت، اما ریشه های مذهب زیدی را در کوهستان های شمالی یمن استوار ساخت. امروزه صعه مهم ترین پایگاه زیدیه در یمن بوده و جامع امام هادی در میان شهر سرپاست.

مذهب الهادی الی الحق در زیدیه به هادویه شهرت داشته و زیدیان به این نام شناخته می شدند. بدون تردید مذهب هادوی یک مذهب شیعی است هرچند با عقاید امامیه تفاوت هایی دارد. این نکته ای است که اهل سنت روی آن صحّه گذاشته و مذهب هادوی را نزدیک به مذهب امامیه دانسته اند. در این باره قاضی اسماعیل بن علی بن اکوع به صراحت اظهار نظر کرده و مذهب هادوی را ملحق به مذهب امامی دانسته است (العلم الشامخ: ۱۰۸ و بنگرید: الزیدیه نشأتها و معتقداتها: ۵۵).

هادی آثار متعددی نوشت که امروزه بسیاری از آن ها به چاپ رسیده است. عقاید وی از جهاتی به مذهب امامیه نزدیک بود. وی برخلاف آن چه که در باب عدم انتقاد از دو خلیفه اوّل به انتساب به زید داشت، بر آنان خرده می گرفت. وی همچنین امامت علی و حسنین (ع) را به نصّ ثابت می دانست. به هر روی هادی فقیه و متکلم و از علمای شاخص مذهب زیدیه در طول تاریخ این مکتب بود. در عین حال او همزمان بر ضد اسماعیلیه و امامیه بود و علیه آنان ردیه نوشت. آنان رقبای مذهبی وی در یمن بودند.

جانشین هادی پسرش محمد و سپس احمد (در سال ۳۰۱) ملقب به ناصر بود که او هم فقیه بود و آثاری تألیف کرد که تحت عنوان رسائل احمد بن یحیی بن حسین چاپ شده است. وی در سال ۳۲۲ درگذشت. پس از آن به سبب اختلاف میان فرزندان احمد بیش از نیم قرن اوضاع دولت زیدی آشفته بود تا آن که در سال ۳۸۸ المنصور بالله قاسم بن علی از نوادگان قاسم رسی به امامت رسید. وی در سال ۳۹۳ درگذشت و پس از وی حسین بن قاسم به قدرت رسید. او در سال ۴۰۱ ادعای مهدویت کرد و به سال ۴۰۴ درگذشت.

دولت زیدیه یمن از این زمان تا سال ۵۸۳ که امام عبدالله بن حمزه به قدرت رسید، وجود خارجی نداشت. در این مدت دولت صلیحی در یمن قدرت را در اختیار داشت. همچنین فرقه ای به نام مطرفیه - به نام مطرف بن شهاب بن قاسم - در یمن فعال بود که نوعی بدعت در زیدیه به حساب آمده و مخالفان فراوانی از میان زیدیه ایران و یمن داشت.

با آمدن امام عبدالله، زیدیه بار دیگر به قدرت رسیدند. گفته شده است که امام عبدالله بن حمزه برخورد بسیار سخت و خشونت آمیزی با مطرفیه داشته و دهها هزار نفر از آنان را کشت و

خانه‌هایشان را نابود کرد. در واقع در یمن نوعی منازعه میان گروه‌های مختلف شیعه از اسماعیلی و زیدی و امامی وجود داشت.

علاوه بر این، میان امامان زیدی هم نزاع فراوان بود، زیرا هر علوی که سلاح برمی‌گرفت و قبیله‌ای را برای حمایت می‌یافت مدعی امامت می‌شد. در دوران احمد بن سلیمان شمار فراوانی از شیعیان در منطقه حوث قتل عام شدند. چنان‌که امام حمزه بن عبدالله نسبت به امامیان سخت‌گیر بود و عالمی امامی با نام عرفه بن صباع را کشت. برخی از امامان زیدی رسائی در رد بر امامیه نوشتند. نفوذ عقاید کلامی معتزله و همین‌طور فقه حنفی، یکی از نقاط ضعف جدی زیدیه به شمار می‌آمد.

باسورث درباره دولت امامان رسی می‌نویسد: امامان رسی در صعده در شمال یمن مستقر شدند و توانستند برابر خوارج محلی، قرمطیان و دیگر مخالفان حکومتشان از خود دفاع کنند. آن‌ها علاوه بر صعده، گاه صنعاء را نیز در تصرف داشتند. در تمام قرن بعد، یمن همچنان پایگاه دعوت زیدیه بود و داعیان زیدی از آن‌جا به ایالات دریای مازندران و دیگر نقاط جهان اسلام می‌رفتند. در نیمه دوم قرن پنجم (یازدهم میلادی) صلیحیان صنعاء را گرفتند و در قرن بعد رؤسای عرب بنی‌حمدان بر آن دست یافتند و مدت پنجاه سال در تصرف آنان بود. تنها در زمان احمد بن سلیمان ملقب به المتوکل یکی از اعقاب امام احمد بن یحیی ملقب به ناصر از امامان قرن چهارم، اقبال به زیدیان تا حدی بازگشت.

ایوبیان، یمن را در ۵۶۹ / ۱۱۷۴ گرفتند و غلبه آن‌ها که بیش از نیم قرن طول کشید، اقتدار زیدیان را فوق‌العاده محدود ساخت.

نقشه شماره ۱۹۱: مراکز زیدیه در شمال ایران



زیدیان در زمان نخستین حکمرانان رسولی یمن تا حدی جان دوباره گرفتند تا این که کشمکش های درونی و منازعات داخلی سبب افول قدرت آن ها در یمن شد.... توالی امامان بعد از حوالی ۱۰۰۰ / ۱۵۹۲ با امامت سلسله قاسم بن محمد آغاز می شود. قبل از این، ترکان با ورود اوزدمر پاشا به صنعاء در سال ۹۵۴ / ۱۵۴۷ فتح کرده بودند و پس از این، یمن یکی از ایالات امپراتوری عثمانی شد. امامان زیدی سلطه سلاطین عثمانی را پذیرفتند و عثمانی ها به آنان آزادی عمل داخلی معتناهی بخشیدند. اما امامان زیدی که پس از ۱۰۳۸ از نو در صنعاء منصوب شدند تا ۱۰۴۵ یوغ فرمانبرداری از دولت عثمانی را گردن برافکندند. تاریخ یمن در دو و نیم قرن بعد به صورتی مغشوش ادامه داشت تا این که عثمانی ها در اواخر قرن سیزدهم (نوزدهم) به عسیر که منطقه ای بود در شمال یمن بازگشتند و سپس در سال ۱۲۸۸ (۱۸۷۱) صنعاء را گرفتند. اما سلطه امامان زیدی بر حومه مرتفعات یمن محکم برجای ماند و آن ها گاهی به صورت موقت صنعاء را تصرف می کردند. در پایان جنگ جهانی اول، ترکان یمن را ترک گفتند و امامان

توانستند اقتدار خود را بر سراسر مملکت استوار سازند. در سال ۱۹۶۲ یک کودتای نظامی صورت گرفت و به دنبال آن حکومت جمهوری اعلام شد (سلسله های اسلامی جدید: ۱۹۹ - ۲۰۰).

مناسبات زیدیه ایران و عراق با زیدیه یمن

آن زمان طبرستان و یمن به دلیل اشتراک در مذهب زیدی با یکدیگر در ارتباط بودند و حتی گاه نیروهای کمکی از طبرستان برای زیدیان یمن اعزام می شد. شماری از عالمان زیدی ایران برای زیارت قبر هادی به یمن رفتند و در این میانه نوعی نقل و انتقال علمی و فرهنگی نیز صورت می گرفت. برای مثال می توان به سفر زید بن حسن بیهقی اشاره کرد که برای زیارت قبر هادی به یمن رفت و مجلس حدیث در صعدة برقرار کرد. این جلسات به مدت دو سال و نیم ادامه یافت. در قرن هشتم احمد بن میر بن ناصر حسنی گیلانی نیز به یمن آمد، در حالی که برخی از آثار زیدیه مانند الجامع الکافی را به همراه داشت.

ادوار دولت زیدی

دولت زیدی یمن را که از سال ۲۸۴ تا ۱۳۸۲ روی کار بود، به سه مرحله تقسیم می کنند:

مرحله اول

از امام مؤسس یحیی بن حسین هادی تا کناره گیری امام حسن مؤیدی به نفع امام قاسم بن محمد (۲۸۴ - ۱۰۰۶)

این مرحله خود به چهار دوره تقسیم می شود:

- ۱- از امام هادی یحیی بن حسین تا امامت نواده او امام داعی یوسف (۲۸۴ - ۳۹۳)
- ۲- از امام قاسم عیانی تا کشته شدن امام علی بن زید بن ابراهیم ملح (۳۹۳ - ۵۳۱)
- ۳- از امام احمد بن سلیمان تا امام محمد بن ناصر صلاح الدین (۵۳۲ - ۸۴۰)
- ۴- از درگیری چند امام با یکدیگر تا قیام امام قاسم بن محمد (۸۴۰ - ۱۰۰۶)

مرحله دوم

دولت قاسمیه از امام مؤسس قاسم بن محمد تا امام بدر محمد بن امام احمد حمید الدین (۱۰۰۶ - ۱۳۸۲)

این مرحله نیز شامل چهار دوره است:

- ۱- دوره امام مؤسس قاسم بن محمد (۱۰۰۶ - ۱۰۶۱)
- ۲- از امام مهدی عباس تا امام مهدی عبدالله (۱۰۶۱ - ۱۱۵۱)
- ۳- از امام منصور علی تا آغاز عصر زوال دولت زیدی امام هادی شرف الدین (۱۱۵۱ - ۱۳۰۷)
- ۴- خاندان حمیدالدین از امام منصور محمد، فرزندش متوکل یحیی و نواده اش امام احمد تا امام بدر محمد بن احمد حمیدالدین (۱۳۰۷ - ۱۳۸۲)

مرحله سوم

- دوران مبارزه نظامی (۱۹۶۲ - ۱۹۷۰ م)
- دوران مبارزه سری (۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ م)
- دوران فعالیت های تازه و انقلابی و رواج مذهب امامی در میان زیدیه (۱۹۹۰ - ۲۰۰۸)

جغرافیای انسانی زیدیه، امامیه و اسماعیلیه در یمن

یمن، بخش جنوبی جزیره العرب است که در روزگار ما در شمال با کشور عربستان سعودی و در جنوب با خلیج عدن و اقیانوس هند، در شرق با کشور عمان و در غرب با دریای سرخ پیوند دارد.

جمعیت آن در حال حاضر حوالی ۲۲ میلیون نفر است که ساکنان آن به جز یک اقلیت یهودی، مسلمان هستند. مردمان اصلی آن عرب های قحطانی اند، اما همیشه با هندی ها و حبشی ها داد و ستد قومی داشته اند.

مسلمانان این کشور به طور عمده به شافعیان و زیدیان و اسماعیلیان و امامیان تقسیم می شوند. جمعیت زیدیه ۳۵ درصد، اسماعیلیه ۵ درصد، امامیه از ۲ تا ۸ درصد و باقی مانده سنی شافعی هستند.

اسماعیلیه بیشتر در منطقه حراز، عراس و الفرع در حوالی مرز یمن - سعودی و نیز صنعا زندگی می کنند.

یمن به لحاظ مذهبی تقریباً به شمال و جنوب تقسیم می شود. بخش شمالی را باید از استان تعز آغاز کرده از کنار استان «اب»، ذمار، مأرب و الجوف بالا رفت. بخش شمال غربی بامحدوده ای اندک از استان ضالع، منطقه ای است که زیدیان در آن با درصدهای مختلف فراوان هستند.

در میان استان هایی که شیعیان در آن حضور دارند، استان صعده در رتبه اول قرار دارد، به طوری که اساساً غیرزیدی در آن جز به صورت غریبه وجود ندارد. الجوف در درجه دوم، صنعا در مرتبه سوم و سپس استان های اب، ذمار، عمران، مأرب، حجه، محویت و حدیده در رتبه بعدی قرار دارند. در این استان ها سنی شافعی نیز فراوان است، اما سنی وهابی اندک است یا اصلاً وجود ندارد. در جمع درصد شیعیان زیدی را در یمن میان ۳۵ تا ۴۰ درصد می دانند.

برخی این رقم را تا ۲۲ درصد ذکر می کنند. این در حالی است که امامیه را از ۲ تا ۸ درصد و اسماعیلیه ۵ درصد جمعیت ۱۹ میلیونی یمن را (برحسب آمار سال ۲۰۰۰) تشکیل می دهند.

جماعت زیدیه پس از کودتای سال ۱۹۶۰ و کشته شدن امام یحیی، بسیار منزوی شدند. در این دوره افکار چپ بر همه چیز سیطره انداخته بود. شیعیان زیدی، تنها پس از انقلاب اسلامی و به ویژه فعال شدن شیعیان لبنان و حزب الله دوباره به صحنه آمدند.

بخش جنوبی یمن شامل استان های لحج، ابین (محل زندگی خاندان بن لادن)، ضالع، شبوه، حضرموت عمدتاً سنی نشین با آمار بالای سنی وهابی است. در حضرموت، صوفیان فراوانی هم که به نام صفوی شهرت دارند زندگی می کنند. در جنوب شرقی استان المهره بیشتر متأثر از فرهنگ کشور عمان است و سنیان اندکی دارد.

البته در استان عدن و نیز بندر المکلاء و الحدیده، گروهی از شیعیان خوجه زندگی می کنند که حسینیّه هم دارند. این گروه نقش اقتصادی مهمی برعهده دارند و به همین دلیل تحت فشار نیستند. اما شیعیان امامی که طی قرن ها در یمن به صورت یک اقلیت حضور داشتند، در این اواخر، به دلیل فاصله ای که میان آنان و دیگر جوامع شیعی امامی بود، در محدودیت و انزوای

کامل فرهنگی و هویتی قرار داشتند. پس از انقلاب اسلامی فعالیت های فرهنگی شیعه در جهان جامعه شیعی یمن را نیز زنده و فعال کرد.

صرواح منطقه ای در مأرب، مرکزی برای شیعیان امامی است که از قدیم نیز در همانجا می زیستند و اکنون فعالانه به کارهای فرهنگی مشغولند. قبیله آل زیدی در این منطقه امامی هستند.

امامیان پس از صرواح، در صنعا، اب، ذمار، و تعز حضور دارند. شیعیان تعز و اب، حسینی و کتابخانه دارند. شماری نیز در الجوف هستند که کتابخانه دارند. حدیده نیز شماری امامی دارد.

در کل، رقم امامیان میان ۲ تا ۸ درصد جمعیت یمن را تشکیل می دهد. اما حرکت رو به رشدی دارند. به طوری که در سال های اخیر بسیاری از شافعی ها و زیدی ها جذب مذهب امامیه شده اند. شیعیان امامی به صورت سنتی در جوف، مأرب، ذمار، رداع و برخی از نقاط دیگر یمن به صورت پراکنده زندگی می کنند. فعالیت فعلی آنان زیر نظر سازمانی با عنوان رابطه الشیعة الجعفریة فی الیمن قرار دارد.

اسماعیلیان سلیمانی هم در سه استان نجران، عسیر و جیزان زندگی می کردند. پس از واگذاری های نیمه هایی از این استان ها به عربستان، آنان در عربستان قرار گرفتند. در حال حاضر قریب چند صد هزار نفر از آنان در نجران و دو استان دیگر زندگی می کنند. شماری نیز در کوهستان های حراز در نزدیکی صنعا و نیز منطقه وادی ظهر حضور دارند.

وضعیت سیاسی زیدیه یمن در عصر جدید

در دوران تسلط عثمانی ها، امامان زیدی تسلط خود را بر بسیاری از مناطق تحت سیطره سابق خود از دست دادند. تنها پس از جنگ جهانی اول و زمانی که دولت عثمانی شکست خورد، امام یحیی بن محمد متوکل توانست مناطقی را باز پس بگیرد و یمن را به عنوان «المملکة المتوکلیة الیمینة» بنامد و برای ۴۴ سال حکومت کند. دولت وی با کودتای نظامی ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ که گفته می شد به تحریک طرفداران جمال عبدالناصر است، ساقط گردید. در دوران پس از انقلاب همچنان زیدیه قدرت داشتند، اما یمن به یک دولت لائیک تبدیل شد و علیه امامان زیدی تبلیغات زیادی صورت گرفت، به حدی که کلمه «امام» به صورت یک لقب منفی درآمد. در حال حاضر همچنان مفتی یمن و حاکم آن زیدی است، اما هیچ تلاش جدی از سوی آنان برای بازگرداندن

هویت زیدیه نمی شود. سادات که منتسبین به خاندان اهل بیت هستند، شمارشان بسیار فراوان و در گوشه و کنار زندگی محترمانه ای دارند.

طی بیش از پنجاه سال گذشته، نشان چندانی از زیدیه در عرصه سیاست یمن نبود، اما تحولات اخیر، هم آنچه در داخل یمن میان دولت این کشور و زیدیه پیش آمد و هم آنچه مربوط به حزب الله و ایران در منطقه می شد و بار دیگر زیدیه را در یمن زنده کرده و بر سر زبان ها انداخت. اما این بار، یک تحول عمده در زیدیه یمن ایجاد شده و آن تمایل به مذهب امامی است که به طور گسترده در این کشور پدید آمده است. گفته می شود از جمعیت بیست میلیونی یمن، جمعیتی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد شیعه زیدی هستند. برخی آمارها بیش از این را نشان می دهد. براساس آنچه گفته شده است بیشتر زیدیان که به «زیود» شهرت دارند در شمال یمن به ویژه در صنعاء، صعده، حجّه و ذمار سکونت دارند. تعداد بی شماری از زیدیه نیز در مکه و برخی دیگر از شهرهای عربستان زندگی می کنند. این گروه از زیود دهها سال است که در مکه به کارهای سخت و بعضاً تجارت اشتغال دارند، اما همچنان خارجی تلقی می شوند. در حال حاضر ارتباط نزدیکی میان امامیه و زیدیه در یمن پیش آمده است، به طوری که بیشتر علویان این دیار دعوت به زیدیه و امامیه را یکسان می دانند (الزیدیه نشأتها و معتقداتها: ۶۳).

به رغم علاقه زیدیان یمن به ایران، دولت این کشور، چنان که از زمان جنگ عراق علیه ایران به این سوی معمول بوده، به شدّت بر ضد ایران و کنار بعثی های عراق قرار دارد. این بدان دلیل است که رئیس دولت آن کشور، علی عبدالله صالح، به رغم آن که خود از خاندانی زیدی است (قبیله الحاشد که بخش اعظم آن زیدی هستند)، تحصیل کرده دانشکده علوم نظامی بغداد در دوره بعثی ها و برکشیده آن ها و تفکرش نیز بعثی است. شگفت آن است که پس از سقوط نظام بعثی، به دلیل ارتباط رئیس این دولت با صدام حسین و حزب بعث، فراریان بعثی راهی یمن شده و در آن جا مورد حمایت قرار گرفتند.

نویسندگان و دانشمندان فراوانی از زیدیه در روزگار ما درباره لزوم تقارب میان دو گروه امامی و زیدیه تأکید دارند که از آن جمله بدرالدین حوثی است که کتابی با عنوان «الزیدیه فی الیمن» نوشته و در این باره سخن گفته است. وی در جریان سرکوب زیدیه در یمن از حوزه نجف درخواست کرد تا در این باره مداخله کند.

در یمن امروز چندین مرکز علمی متعلق به شیعیان زیدی به فعالیت های فرهنگی و تربیتی اشتغال دارند که از آن جمله می توان به مرکز البدر العلمی، مرکز ومسجد النهرین، مرکز الهادی

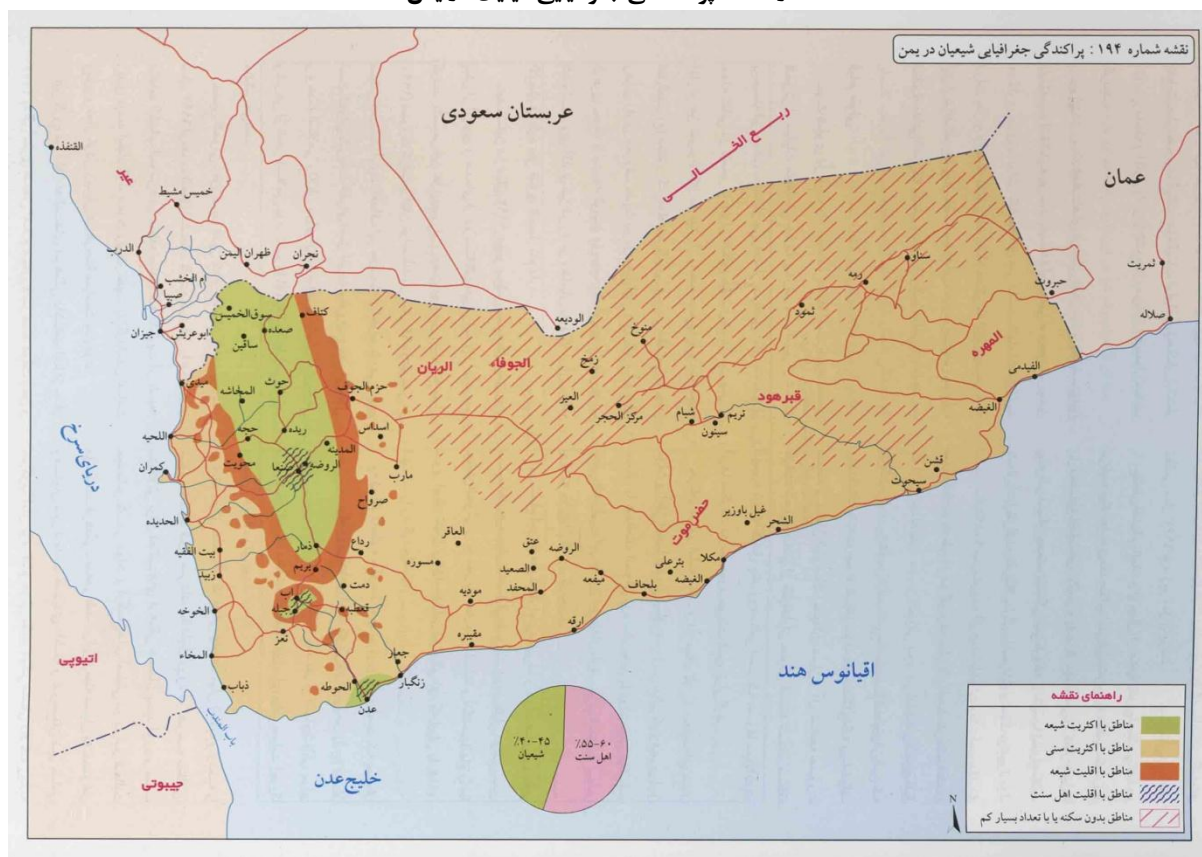
در شهر صعده، دارالعلوم العليا در صنعاء، مركز الامام قاسم بن محمد در شهر عمران در شمال صنعاء، المركز الصيفي در شهر ضحيان، و مركز الثقلين در صنعاء ياد كرد. جماعت زيديه، همچنين نشریات و مطبوعاتی دارند که ضمن آن ها به ترویج عقاید شیعی زیدی خود می پردازند. در سال های اخیر مجلس سوگواری برای امام حسین علیه السلام نیز در بخش قدیمی شهر صنعاء برگزار شده و اعلاناتی در این باره در ایام مربوط به مراکز دینی دیده می شود. حتی مجالس سوگواری برای برخی از ائمه علیهم السلام از قبیل امام سجاد و امام صادق (ع) نیز برگزار می شود. در روز غدیر نیز مجالس جشن و سرور برپاست.

در مقابل، دو نوع فعالیت جدی علیه شیعیان زیدی یمن اعمال می شود: نخست از سوی دولت این کشور که تفکر بعثی دارد و دیگر توسط عناصر وهابی و القاعده که به شدت ضد شیعه هستند. این دو گروه هر دو در مبارزه با شیعه فعال هستند و یکی از رایج ترین کارهای آنان گرفتن فتوا از علمای وهابی بر ضد شیعیان است.

امروزه شیعیان یمن یکی از سخت ترین دوران ها را پشت سر می گذرانند. دولت یمن، بر اساس آنچه بعثی ها در ضدیت با ایراناظهار کرده اند، شیعیان یمن را به شیعه صفوی وصف کرده و آنان را پیرو حزب الله و ایران می دانند. علی محسن احمر، مرد دوم حکومت یمن، تندترین مواضع را نسبت به شیعیان یمنداشته و بارها و بارها در انهدام روستاها و مراکز شیعیان زیدی نقش مؤثر و ویرانگری داشته است. براساس آن چه در منابع خبری آمده است دولت یمن از اظهار شعائر شیعی از جمله گفتن «حی علی خیر العمل» در اذان و همین طور برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع)، مراسم غدیر، ترویج نهج البلاغه و صحیفه سجادیه جلوگیری می کند. صحیفه سجادیه مهم ترین اثر دینی - شیعی است که مشترک میان تمام شیعیان امامی، زیدی و اسماعیلی در یمن و نجران است. همچنین برگزاری جشن غدیر یکی از برنامه هایی است که در سال های اخیر به طور خاص مورد توجه شیعیان یمن قرار دارد.

برگزاری مراسم عاشورا نیز به طور جدی دنبال شده و انقلابیون حوثی روی آن تأکید دارند. گسترش علائق امامی میان زیدیه یمن بیش از همه بازتابی از انفعالی بود که زیدیه طی دو سه قرن در برابر گرایش وهابی از خود نشان داده بودند. حسّ شیعیانه زیدی، آنان را متمایل به مذهب امامیه کرد.

نقشه شماره ۱۹۴: پراکندگی جغرافیایی شیعیان در یمن



طی دهه پایانی قرن بیستم، کارهای فرهنگی زیادی در یمن به نفع شیعیان صورت گرفت. مؤسسات فراوانی به کار انتشار کتاب پرداخته و آثار زیادی از تشیع در یمن میان شیعیان منتشر گردید.

ایران در زمینه فعالیت های فرهنگی فعال بود و به خصوص در زمینه انتشار فهرست نسخه های خطی موجود در یمن، همکاری جدی با مراکز کتابخانه ای یمن داشت. اتهامات نادرست دولت یمن و وابسته نشان دادن قیام حوثی به ایران، سبب قطع این ارتباط شد. یکی از حساسیت های مهم دولت یمن درباره خانواده هایی است که مذهب زیدی را ترک و امامی شده اند.

قیام حوثی

حوث شهری در میانه راه صعده و صنعا است. شهید حسین الحوثی از سادات طباطبائی بود که پدرش بدرالدین از علمای برجسته این مذهب به شمار می رفت. از بدرالدین آثار متعددی از جمله کتابی در تفسیر با عنوان الثقلین منتشر شده است. یکی از آثار او نیز تحریرالافکار در بیش از پانصد صفحه است که مجمع اهل البیت (ع) منتشر کرده است. کتابی هم در نقد ابن شهاب زهری راوی معروف حدیث در نزد مخالفان دارد که با عنوان الزهری حدیثه و سیرته، توسط مؤسسه الامام زید بن علی چاپ شده است. وی آثاری نیز در رد بر وهابیان دارد که از آن جمله الایجاز فی الرد علی فتاوی الحجاز نام دارد.

سید حسین در سال ۱۹۹۳ عضو مجلس نمایندگان یمن بود. پیش از آن وی و عده ای از دوستانش حزب الحق را تأسیس کردند. تأسیس این حزب پس از وحدت دو یمن (ماه مه سال ۱۹۹۰) صورت گرفت و آنان توانستند در سال ۹۳ دو کرسی در مجلس به دست آورند. اهداف این حزب که از احزاب شیعی زیدی است، اجرای شریعت، احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر، و وحدت اسلامی و تلاش برای ارائه مفهوم مشترک اسلامی و شرعی از تمدن اسلامی بود. نشریه الامه توسط این حزب منتشر می شد.

حسین الحوثی - فرزند بدرالدین که از رهبران زیدیه بود - در سال ۱۹۹۷ از حزب الحق انشعاب کرده گروهی را با عنوان «تنظیم الشباب المؤمن» در منطقه صعده که اکثریت آن شیعه زیدی بودند ایجاد کرد. دعوت وی در جهت بازگرداندن امامت زیدی و فعال کردن زیدیان در عرصه سیاست یمن بود.

این گروه در آغاز فعالیت های فرهنگی داشتند، اما از سال ۲۰۰۲ به این سوی ضمن اعلام مبارزه بر ضد دولت یمن و آمریکا و اسرائیل، مشروعیت دولت یمن را که براساس کودتای نظامی سال ۱۹۶۲ بود زیر سؤال بردند.

جنبش الشباب المؤمن از سال ۲۰۰۲ به تدریج سیاسی شده و بر ضد حکومت یمن، آمریکا و اسرائیل شروع به فعالیت کرد. وی در نخستین اقدام خود شمار زیادی از یهودیانی را که از قرن ها پیش در استان صعده زندگی می کردند، از آن جا اخراج کرد. شعار آنان مرگ بر امریکا، مرگ بر اسرائیل و لعنت بر یهود بود.

در سال ۲۰۰۴ نخستین درگیری ها با دولت پیش آمد. مقامات یمنی گفته اند که طی آن درگیری ها بیش از پانصد نفر کشته شدند که از آن جمله خود حسین الحوثی بود. در ادامه،

رهبری این حرکت را پدر بر عهده گرفت که وضعیت سلامت وی از این که زنده است یا نه در بوته ابهام بود. در حملاتی که در اطراف صعده و مناطق الرزومات، حیدان، مران و آل شافعه صورت گرفت، شمار زیادی از طرفداران حوثی کشته شدند. منطقه الهجره نیز که شامل چند روستایی است که صرفاً سادات در آن ها سکونت دارند، مورد حملات شدید قرار گرفت.

حرکت مزبور ادامه یافت و در سال ۲۰۰۵ معاهده ای میان دولت و آنان امضا شد. در سال ۲۰۰۷ در حالی که رهبری این جنبش با عبدالملک الحوثی بود منازعاتی با دولت یمن داشتند. یحیی الحوثی برادر حسین نیز که از طرف حزب الحق در مجلس بود، به خارج از کشور گریخت. در تمام این فعالیت ها، آمریکایی ها و دولت های اروپایی مخالف جنبش الحوثی بودند. در مقابل، دولت یمن، جنبش الحوثی را به تحریک خارجی دانسته و انگشت اتهام را به سوی ایران نشان رفته است. این در حالی بود که ایران بارها این اتهامات را رد کرده است.

به لحاظ داخلی، حکومت یمن بر این باور است که جنبش حوثی یک جنبش ارتجاعی است که می خواهد یمن را به دوران امامان زیدی بازگرداند. به علاوه چند نفر به اتهام تلاش برای ترور سفیر امریکا محاکمه شدند که این برای جلب حمایت آمریکا در مبارزه با الحوثی بود.

قیام حوثی ضمن آن که نوعی وحدت میان امامیه و زیدیه را مورد تأکید قرار می داد، به دلیل ورود در عرصه نظامی، مشکلاتی برای فعالیت های فرهنگی شیعیان پدید آورد و سبب حساس شدن دولت و ارگان های امنیتی در برابر فعالیت مؤسسات فرهنگی - مذهبی شد. در این زمینه سنیان به خصوص وهابیان نیز فعالیت شدیدی داشته و عربستان نیز حامی سرکوب آنان بود. قیام حوثی یکبار دیگر نشان داد که زیدیه همچنان مانند قرون گذشته بیش از فعالیت مستمر فرهنگی به انقلاب می اندیشد.

فعالیت شماری از رهبران زیدی و امامی یمنی در خارج از یمن، سبب جلب توجه شماری از مراجع تقلید شیعه در عراق و ایران به تحولات یمن شد. از سوی دیگر خشونت های فراوان حکومت یمن و کشتارها و بمباران مناطق شیعی طی سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ اعتراض بسیاری را برانگیخت. این اقدامات سبب شد تا جمعیت علمای یمن از حوزه نجف درخواست کمک کند تا با وساطت خود مانع از اقدامات تندروانه دولت در برخورد با قیام کنندگان شوند.

در این ارتباط آیت الله العظمی سیستانی واکنش نشان داد و از دولت یمن درخواست کرد تا این اقدامات را متوقف کند. این حرکت در تاریخ روابط زیدیه و امامیه یک واکنش ابتکاری و حساس به شمار آمده و می توانست منشأ مناسبات بیشتر این دو فرقه شیعی در آینده باشد.

سه تن از مراجع قم نیز در این باره بیانیه صادر کردند. دولت ایران، متهم اوّل دولت یمن در ارتباط با تحریک شورشیان زیدی بود، و به همین دلیل هر نوع اظهار نظری بردامنه این اتهام می افزود.

درگیری میان شورشیان و دولت یمن در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز ادامه یافت و نیروهای دولت به بخش هایی از مناطق یورش برده و آن ها را ویران کردند. در این نبردها که در منطقه کوهستانی شمال غرب استان صعده صورت گرفت، شمار زیادی از نیروهای دولتی نیز کشته شدند.

طبقات رجال مذهبی - فکری زیدی

طبقات رجال مذهبی - فکری زیدی	
طبقه اول:	طبقه دوم:
۱- زید بن علی بن حسین بن علی (ع) (شهادت ۱۲۲)	۱- محمد بن منصور مروی (م ۲۹۰-۲۹۹)
۲- قاسم بن ابراهیم رسی (م ۲۴۲)	۲- ابوالعباس احمد بن ابراهیم (م ۳۵۳)
۳- هادی الی الحق، یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم، مؤسس مذهب زیدی (هادوی) در یمن (م ۲۹۸)	۳- مؤید بالله احمد بن حسین بن هارون حسنی (م ۴۱۶)
۴- ناصر اطراوش، حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر اشرف بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) مؤسس مذهب زیدیه در طبرستان (م ۳۰۴)	۴- ابو طالب یحیی بن حسین بن هارون (م ۴۲۴)
	۵- علی بن بلال (مولى الامامین: مؤید بالله و ابو طالب)
	۶- احمد بن محمد ارزقی هادوی
طبقه سوم:	طبقه چهارم:
۱- قاضی زید بن محمد کلاوی جیلی، ملقب به «حافظ اقوال العتره» از اتباع مؤید بالله	۱- قاضی محمد بن سلیمان بن ابی الرجال صعیدی (م ۷۳۰)
۲- سید علی بن عباس بن ابراهیم راوی اجماعاات اهل بیت (م ۳۴۰)	۲- قاضی عبدالله بن زید عنسی (م ۶۶۷)
۳- قاضی حسن بن محمد بن ابی طاهر رصاص (م ۵۸۴)	۳- قاضی یحیی بن حسن بسیج، معاصر امام یحیی بن حمزه
۴- حسین بن بدر الدین (م ۶۶۲)	۴- یحیی بن حمزه (م ۷۴۹)
۵- زید بن علی بن حسن بن علی بیهقی، (در زمان امام احمد بن سلیمان در تهامه از دنیا رفت)	۵- عز الدین بم حسن مؤیدی (م ۹۰۰)
۶- قاضی جعفر بن احمد بن عبدالله بهلولی (م ۵۷۳)	۶- قاضی محمد بن یحیی حنش (م ۷۱۷)
	۷- قاضی یوسف بن احمد بن عثمان ثلانی (م ۸۳۲)
	۸- احمد بن یحیی بن مرتضی (م ۸۴۰)

قیام‌های زیدی تا تشکیل دولت علویان در طبرستان

نتیجه	منطقه	سال	قیام‌کننده	
زید در قیام خود علیه امویان شکست خورد و در صفر سال ۱۲۲ به شهادت رسید.	کوفه	۱۲۲ (یا ۱۲۱)	زید بن علی بن الحسین (ع)	۱
شکست قیام و کشته شدن یحیی در خراسان در سال ۱۲۵.	خراسان	۱۲۵	یحیی بن زید بن علی (ع)	۲
عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب	شهرهای عمده عراق عجم بامרכזیت اصفهان	۱۲۸	عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب	۳
قیام شکست خورد و محمد نفس زکیه و یارانش بدست سپاه منصور کشته شدند.	مدینه	۱۴۵	محمد بن عبدالله مشهور به نفس زکیه	۴
در رویارویی با سپاه منصور در باخمیری(شانزده فرسخی کوفه) در ۲۵ ذی‌القعدة کشته شد.	بصره	اول رمضان ۱۴۵	ابراهیم بن عبدالله برادر نفس زکیه	۵
در جنگی خونین در قح برابر سپاه عباسی شکست خورد و شهید گشت.	در مدینه آغاز و درگیری در نزدیک مکه رخ داد.	۱۶۹-۱۷۰	حسین بن علی (شهید قح)	۶
ابتدا با امان هارون تسلیم شد اما هارون او را به زندان انداخته و به قتل رساند.	سرزمین دیلم	۱۷۰	یحیی بن عبدالله	۷
ادریس توانست در مغرب تشکیل حکومت دهد اما سرانجام بدست عاملان هارون مسموم و کشته شد.	بعد از قیام فح به افریقا گریخت و در شهرهای فاس و طنجه مستقر شد.	۱۷۲	ادریس بن عبدالله	۸
محمد دیباج از سپاه عباسی شکست خورده او را به مرو نزد مامون فرستادند. وی همراه مامون در جرجان درگذشت و مامون متهم به کشتن وی شد.	مکه	۲۰۱-۲۰۰	محمد دیباج	۹
پس از جنگ‌های بسیار با سپاه عباسی شکست خورده گریختند و ابوالسرایا گرفتار و کشته شد.	کوفه	۱۹۹-۲۰۰	ابوالسرایا و محمد بن ابراهیم (ابن طباطبا)	۱۰
پس از جنگ با سپاه عباسی در مکه و محاصره شدن یارانش امان گرفت و یاران خود را پراکنده ساخت. وی در خراسان درگذشت.	مدینه	۱۹۹	محمد بن جعفر بن علی بن ابی طالب (ع)	۱۱
مدتی بر یمن حکومت کرد، اما در نبردی با سپاه مامون شکست خورد.	یمن	۲۰۰	ابراهیم بن موسی کاظم (ع)	۱۲
امان نامه مامون را پذیرفت و در آخر سال ۲۰۷ وارد بغداد شد.	سرزمین یمن در دو منطقه عک و زبید مستقر شد.	۲۰۷	عبدالرحمن احمد بن عبدالله علوی	۱۳
از سپاهیان عبدالله بن طاهر شکست خورد، دستگیر و به بغداد نزد مامون فرستاده شد.	ابتدا به رقه و سپس به مرو و از آنجا به طالقان رفت.	۲۱۹	محمد بن قاسم	۱۴
در جنگی با سپاه متوکل عباسی در نزدیک کوفه کشته شد.	خراسان	۲۳۲	قیام یحیی بن عمرو بن حسین	۱۵
وی دستگیر و به مدت سه سال در سامرا به زندان افتاد و سپس آزاد شد و پس از چندی درگذشت.	سویقه	۲۳۲	محمد بن صالح بن عبدالله	۱۶
حکومت علویان طبرستان را تأسیس نمود.	طبرستان	۲۵۰	قیام حسن بن زید علوی	۱۷

فهرست اسامی امامان زیدیه یمن و مدت حکومت ایشان
(از آغاز تا سال ۱۳۸۲ هجری / میلادی ۱۹۶۲)

ردیف	نام	محل وفات	مدت حکومت (هجری قمری)	مدت حکومت (میلادی)
۱	الهادی یحیی بن حسین	صعده	۲۹۸-۲۸۴	۹۱۱-۸۹۷
۲	المرتضی محمد بن هادی	صعده	۳۰۱-۲۹۸	۹۱۳-۹۱۱
۳	الناصر احمد بن هادی	صعده	۳۲۵-۳۰۱	۹۳۶-۹۱۳
۴	المنصور یحیی بن هادی	ریده	۳۶۶-۳۲۵	۹۷۶-۹۳۶
۵	الداعی یوسف بن المنصور یحیی	صعده	۴۰۳-۳۶۶	۱۰۱۲-۹۷۶
۶	المنصور القاسم بن علی عیانی	عبان	۳۹۳-۳۸۹	۱۰۰۲-۹۹۹
۷	المهدی الحسین بن القاسم	ریده	۴۰۳-۳۹۳	۱۰۱۲-۱۰۰۲
۸	ابوهاشم الحسین بن عبد الرحمن	ناعط	۴۳۱-۴۲۶	۱۰۴۰-۱۰۳۵
۹	ابوالفتح ذیلمی	عنس	۴۴۴-۴۳۷	۱۰۵۲-۱۰۴۵
۱۰	المتوکل احمد بن سلیمان	حیدان	۵۶۶-۵۳۲	۱۱۷۱-۱۱۳۸
۱۱	المنصور عبد الله بن حمزه	ظفار	۶۱۴-۵۸۳	۱۲۱۷-۱۱۸۷
۱۲	المعتضد یحیی بن محسن	ساقین	۶۳۶-۶۱۴	۱۲۳۸-۱۲۱۷
۱۳	المهدی احمد بن حسین	شوابه	۶۵۶-۶۴۶	۱۲۵۸-۱۲۴۸
۱۴	یحیی بن محمد سراجی	صنعاء	۶۶۰-۶۵۶	۱۲۶۲-۱۲۵۸
۱۵	المنصور الحسن بن یدرالدین	رغافه	۶۷۰-۶۶۱	۱۲۷۱-۱۲۶۳
۱۶	المهدی ابراهیم بن تاج الدین	تعز	۶۷۴-۶۷۰	۱۲۷۵-۱۲۷۱
۱۷	المتوکل المطهر بن یحیی	ذروان حجه	۶۹۷-۶۷۶	۱۲۹۸-۱۲۷۷
۱۸	المهدی محمد بن مطهر	صنعاء	۷۲۸-۶۹۷	۱۳۲۸-۱۲۹۸
۱۹	المؤید یحیی بن حمزه	ذمار	۷۴۹-۷۲۹	۱۳۴۸-۱۳۲۹
۲۰	الوائق المطهر بن محمد	صنعاء	۷۵۰-۷۳۰	۱۳۴۹-۱۳۳۰
۲۱	المهدی علی بن صلاح	السوده	۷۳۰	۱۳۳۰
۲۲	الداعی احمد بن علی فتحي	رغافه	۷۵۰-۷۳۰	۱۳۴۹-۱۳۳۰
۲۳	المهدی علی بن محمد	صعده	۷۷۳-۷۵۰	۱۳۷۲-۱۳۴۹
۲۴	الناصر صلاح الدین بن المهدی	صنعاء	۷۹۳-۷۷۳	۱۳۹۱-۱۳۷۲
۲۵	المنصور علی بن صلاح الدین	صنعاء	۸۴۰-۷۹۳	۱۴۳۶-۱۳۹۱
۲۶	المهدی احمد بن یحیی المرتضی	الظفیر	۷۹۳	۱۳۹۱
۲۷	الهادی علی بن المؤید	ذمار	۸۳۰-۷۹۶	۱۴۲۷-۱۳۴۹
۲۸	المتوکل المطهر بن محمد حمزی	ذمار	۸۷۹-۸۴۰	۱۴۷۴-۱۴۳۶
۲۹	المهدی صلاح بن علی	صنعاء	۸۴۹-۸۴۰	۱۴۴۵-۱۴۳۶
۳۰	المنصور الناصر بن محمد	صنعاء	۸۶۶-۸۴۰	۱۴۶۲-۱۴۳۶
۳۱	المؤید محمد بن الناصر	صنعاء	۹۰۸-۸۶۶	۱۵۰۲-۱۴۶۲
۳۲	الهادی عزالدین بن حسن	رغافه	۹۰۸-۸۷۹	۱۴۹۵-۱۴۷۴
۳۳	الناصر حسن بن عزالدین	فله	۹۲۹-۹۰۰	۱۵۲۳-۱۴۹۵
۳۴	محمد بن علی وشلی	صنعاء	۹۱۰-۸۸۰	۱۵۰۴-۱۴۷۵
۳۵	المتوکل یحیی شرف الدین بن المهدی احمد	الظفیر	۹۶۵-۹۱۲	۱۵۵۷-۱۵۰۶
۳۶	المطهر بن شرف الدین	تیلا	۹۸۰-۹۶۵	۱۵۷۲-۱۵۵۷
۳۷	الحسن بن علی داود	الاستانة	۹۹۳-۹۸۶	۱۵۸۵-۱۵۷۸
۳۸	المنصور القاسم بن محمد	شهاره	۱۰۲۹-۱۰۰۶	۱۶۲۰-۱۵۹۷
۳۹	المؤید محمد بن قاسم	شهاره	۱۰۵۴-۱۰۲۹	۱۶۴۴-۱۶۲۰

ردیف	نام	محل وفات	مدت حکومت (هجری قمری)	مدت حکومت (میلادی)
۴۰	المتوکل اسماعیل بن قاسم	الغراس	۱۰۸۷-۱۰۵۴	۱۶۷۶-۱۶۴۴
۴۱	المهدی احمد بن الحسین بن قاسم	الغراس	۱۰۹۲-۱۰۸۷	۱۶۸۱-۱۶۷۶
۴۲	المؤید محمد بن المتوکل اسماعیل	ضوران	۱۰۹۷-۱۰۹۲	۱۶۸۶-۱۶۸۱
۴۳	المهدی الحسین بن الحسن بن قاسم	المواهب	۱۱۳۰-۱۰۹۸	۱۷۱۸-۱۶۸۷
۴۴	المنصور الحسین بن القاسم بن المؤید	شهاره	۱۱۳۱-۱۱۲۷	۱۷۱۹-۱۷۱۵
۴۵	المتوکل القاسم بن حسین	صنعاء	۱۱۳۹-۱۱۲۸	۱۷۲۶-۱۷۱۶
۴۶	الناصر محمد اسحاق	صنعاء	۱۱۳۵	۱۷۲۲
۴۷	المنصور حسین بن قاسم	صنعاء	۱۱۶۱-۱۱۳۹	۱۷۴۸-۱۷۲۶
۴۸	المهدی عباس بن المنصور حسین	صنعاء	۱۱۸۹-۱۱۶۱	۱۷۷۵-۱۷۴۸
۴۹	المنصور علی بن المهدی	صنعاء	۱۱۸۹-۱۱۶۱	۱۷۷۵-۱۷۴۸
۵۰	المتوکل احمد بن المنصور	صنعاء	۱۲۲۴-۱۲۲۱	۱۸۰۹-۱۷۷۵
۵۱	المهدی عبد الله بن المتوکل	صنعاء	۱۲۳۱-۱۲۲۴	۱۸۱۶-۱۸۰۹
۵۲	الهادی احمد بن سراجی	صنعاء	۱۲۴۷	۱۸۳۱
۵۳	المنصور علی بن المهدی	صنعاء	۱۲۵۱-۱۲۵۰	۱۸۳۶-۱۸۳۵
۵۴	الناصر عبد الله بن الحسن بن احمد بن المهدی	صنعاء	۱۲۵۵-۱۲۵۲	۱۸۳۹-۱۸۳۶
۵۵	الهادی محمد بن المتوکل احمد	صنعاء	۱۲۵۹-۱۲۵۶	۱۸۴۳-۱۸۴۴
۵۶	المتوکل محمد بن یحیی بن المنصور	صنعاء	۱۲۶۰-۱۲۵۵	۱۸۴۸-۱۸۴۴
۵۷	المنصور احمد بن هاشم	صنعاء	۱۲۶۴-۱۲۶۵	۱۸۴۹-۱۸۴۸
۵۸	المؤید عباس بن عبد الرحمن	صنعاء	۱۲۶۶	۱۸۵۰
۵۹	الهادی غالب بن المتوکل محمد	صنعاء	۱۲۶۷-۱۲۶۸	۱۸۵۲-۱۸۵۱
۶۰	المنصور محمد بن عبد الله الوزير	السر	۱۲۶۹-۱۳۰۷	۱۸۷۹-۱۸۹۰
۶۱	المتوکل الحسن بن احمد	حوت	۱۲۷۱-۱۲۹۵	۱۸۷۹-۱۸۶۲
۶۲	المنصور حسین بن محمد بن الهادی	صنعاء	۱۲۷۵-۱۲۷۹	۱۸۷۸-۱۸۷۷
۶۳	الهادی شرف الدین محمد	المدان	۱۲۹۶-۱۳۰۷	۱۸۷۹-۱۸۹۰
۶۴	المنصور محمد بن یحیی حمید الدین	القفلة	۱۳۰۷-۱۳۲۲	۱۸۹۰-۱۹۰۴
۶۵	المتوکل یحیی بن المنصور محمد	صنعاء	۱۳۲۲-۱۳۶۷	۱۹۴۸-۱۹۰۴
۶۶	الناصر احمد بن المتوکل یحیی	صنعاء	۱۳۶۷-۱۳۸۲	۱۹۶۲-۱۹۴۸

در حال حاضر طرفداران احیای تفکر شیعی زیدی و امامی در یمن بسیار فعال اند و در سایت های مختلف به تبلیغات مذهبی و همچنین روشنگری در زمینه جنبش شیعی یمن ادامه می دهند. بخشی از اطلاعات و آخرین اخبار پیرامون روند این حرکت را می توان در سایت al-majalis.com مشاهده کرد. عبدالملک فرزند دیگر سید بدرالدین که از رهبران جنبش حوثی است، رهبری این جریان را بر عهده دارد. در جمع چهار فرزند سید بدرالدین حوثی در این حوادث به دست نیروهای دولتی به شهادت رسیده اند.

اسماعیلیه در یمن

یمن تا قرن سوم زیر سلطه دولت عباسی بود، اما این زمان به تدریج و به موازات استقلال برخی از مناطق در دنیای اسلام، یمن نیز آماده تحول می شد. دو حرکت شیعی در نیمه دوم قرن سوم در یمن رخ داد: یکی حرکت زیدی و دیگری اسماعیلی که در اینجا به دومی می پردازیم. نخستین داعیان اسماعیلی در یمن ابوالقاسم حسن بن فرج بن حوشب معروف به منصور یمن و علی بن فضل یمانی بودند که حوالی سال ۲۶۸ به یمن رسیدند. گفته اند که امام اسماعیلی از ابوالقاسم خواسته بود تا در عدن مستقر شود، چون در آنجا کسانی هستند که دعوت اسماعیلیه را اجابت کرده اند. آن زمان، داعیان اسماعیلی از شهر سلمیه در شام، به همه نقاط مهم جهان اسلام فرستاده می شدند. علی بن فضل یک فرمانده نظامی نیرومند بود و بارها توانست شهرهای مختلف یمن را تحت سیطره خود درآورد. دو دهه پایانی قرن سوم یمن صحنه منازعه عاملان دولت عباسی، زیدیان و اسماعیلیان بود. نفوذ هر کدام از اینان، بستگی به نفوذ قبایلی داشت که این گروه های مذهبی میان آنان نفوذ داشته و با آنان هم پیمان بودند. در یک مقطع پس از درگذشت امام هادی، امام زیدیه، علی بن فضلتوانست در سال ۲۹۹ صنعا را به تصرف در آورد.

اسماعیلیان در همان زمان در دو منطقه استقرار داشتند. یکی در شرق حدیده (در ساحل دریای سرخ) در کوهستانهای حراز و دیگری در نجران، نخستین داعیان که در ارتفاعات حراز بودند داعیانی را به نجران فرستادند و دعوت اسماعیلی را در آن ناحیه گسترده کردند. این منطقه تا به امروز در اختیار اسماعیلیان بهره است. در آن ناحیه قبیله «یام» از ابن فضل پیروی کرده و مذهب اسماعیلیه را در آن منطقه خانگی کردند. نام این قبیله یعنی یام با نجران و اسماعیلیه پیوند تاریخی عمیقی دارد.

اندکی بعد علی بن فضل خود را از عبیدالله مهدی امام اسماعیلیه جدا کرده و بر ضد ابن حوشب وارد عمل شد. مرکز امارت وی شهر مَذِیخَره بود که پس از مرگ مشکوک او توسط مخالفانش ویران شد. در این میان اقدامات حسن بن فرج بن حوشب را باید بذر نخست انتشار مذهب اسماعیلی میان قبیله یام در نجران دانست. برخی به درستی این دولت را نخستین دولت اسماعیلی دانسته اند که حتی بر دولت عبیدالله مهدی هم مقدّم بود. با پیروزی اسماعیلیان در یمن، در میان سران این مذهب یک نظر بر آن بود که امام اسماعیلی به یمن برود که این امر مورد موافقت قرار نگرفت. بسا انحراف علی بن فضل از امامان فاطمی عامل این تصمیم بود. حسن فرزند ابوالقاسم و یکی از یاران وی به نام شاورى راه را ادامه دادند، اما اوضاع به سرعت در هم ریخت. شاورى کشته شد و حسن هم سنّی گشت. برادر وی جعفر از یمن گریخت و نزد قائم فاطمی رفت و آنجا محترم بود.

در یمن اسماعیلیان در کوهستان مسور باقی ماندند و داعیان جدید به کارشان ادامه دادند. این وضعیت ادامه داشت تا آن که دولت صلیحی به دست علی بن محمد صلیحی (۴۳۹-۴۵۹) تأسیس شد. اصل وی از قبیله اصلوح از منطقه حراز بود که از مناطق سنتی اسماعیلیه بود. گفته اند پدرش شافعی بود اما شیخی که او نزدش درس خواند سلیمان بن عبدالله زواحی بود. وی علی صلیحی را با اجازه مستنصر فاطمی در امر دعوت جانشین خود کرد. وی به تدریج آماده انقلاب شده و دولت صلیحی را که زیر نظر فاطمیان بود تأسیس کرد (الصّلیحیون: ۶۸). وی در نامه ای به اهل حراز درباره امامان فاطمی نوشت: فهم أعلام الدین، و الدعاهُ الی الحق المبین، الشیعۀ المیامین، و السلالۀ الطیبین، آل طه و یاسین (عیون الاخبار: ج ۷، ص ۸۷)

اسماعیلیه یمن به رغم مشکلات فراوان پابرجا ماندند و همچنان تابعیت دولت تازه تأسیس فاطمی را در مغرب و سپس مصر قبول کردند. زمانی که در قرن چهارم هجری دولت فاطمی در مصر قدرتی یافت نه تنها بر حرمین که بر یمن نیز سلطه ای به دست آورد و دولت های دست نشانده ای در آنجا به امارت رساند. دولت صلیحی یکی از این دولتها بود که به نام فاطمیان خطبه می خواند. بدین ترتیب اسماعیلیه بر بخش هایی از یمن تسلّط یافت.

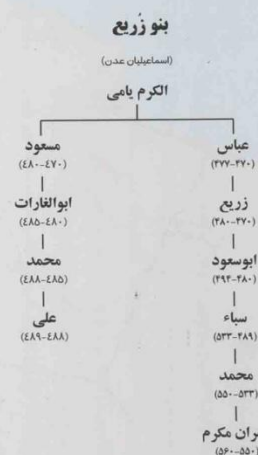
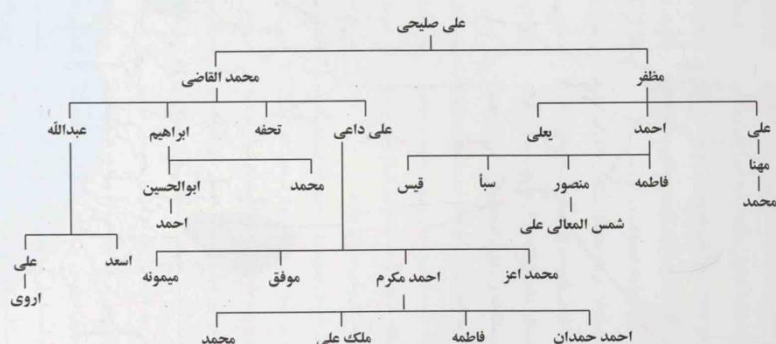
یکی از آثار دولت صلیحی گسترش دعوت اسماعیلی تا مکه بود. آنان ابزار اعمال نفوذ فاطمی ها در مکه و بر اشراف بودند که خود تمایلات شیعی و البته بیشتر از نوع زیدی داشتند. دولت صلیحی در ادامه گرفتار منازعاتی با دولت فاطمی شد اما بر اساس سنتی که از ابتدا بود، این دولت از حواشی دولت فاطمی به شمار می آمد. مهم ترین دشمنان این دولت، زیدی ها و

همین طور موالی حبشی بودند که مشکلات فراوانی برای آنان پدید آوردند. دولت صلیحی به تدریج از میان رفت. بخش عمده ای از میراث صلیحی ها به بنوزریع رسید که آنان نیز خدمات زیادی به دعوت اسماعیلی کرده و بیشتر در عدن و اطراف آن و قدری متأخر از صلیحی ها بودند. با ایجاد انشعاب در اسماعیلیه مصر به مستعلوی (یا مستعلی) و نزاری، یمن همچنان وفادار به مستعلی فاطمی باقی ماند، در حالی که اسماعیلیان شام و ایران نزاری شدند. زمانی که به سال ۵۲۴ فرزند مستعلی، آمر بالله به دست نزاریان ترور شد، به نظر گروهی از اسماعیلیه یمن یک کودک هشت ماهه با نام طیب از وی بر جای ماند. یمنی ها امامت وی را پذیرفتند و به نام وی شهرت یافتند.



صَلِّحُونَ
(۴۲۹-۴۹۲)
از بنو عبید بن لؤام بن - همدان
ام ای صلحی اسماعیلی

سال	نام
۴۲۹-۴۷۳	ابو کامل علی بن محمد داعی
۴۷۳-۴۸۴	مکرم احمد بن علی
۴۸۴-۴۹۲	المنصور ابو حمیر سبأ بن احمد بن مظفر بن علی



ادامه سلسله فاطمی در مصر از نسل حافظ فاطمی، عموی آمربود. اندکی بعد سیده اروی امیره صلیحی با کمک ذئیب بن موسی داعی فاطمی یمن، پرچم امامت طیب را بالا بردند. پس از انحلال دولت صلیحی در سال ۵۳۲ اسماعیلیان یمن که به هند نیز گسترش یافته بودند، طیبی باقی ماندند. طیب در غیبت بود و امیرانی از سوی آنان بر اسماعیلیان فرمانروایی می کردند. این باوری بود که در اسماعیلیه یمن پا برجا ماند. با درگذشت ذئیب بن موسی، ابراهیم حامدی امیر طیبیان شد و تا سال ۵۵۷ که زنده بود تغییرات تازه ای به لحاظ فکری در باورهای اسماعیلیه ایجاد کرد. مهم ترین نوشته او کنز الولد نام دارد.

منصب داعی مطلق تا سال ۶۰۵ در انحصار خاندان حامدی بود. پس از آن در اختیار بنی الولید قرشی قرار گرفت که تا سال ۹۴۶ در دست آنان بود.

مراکز استقرار اسماعیلیان در ارتفاعات حراز در شرق حدیدها مرکزیت قلعه نومرمر مورد حمله زیدیان صعده و صنعا بود. یکی از رهبران معروف اسماعیلی در قرن نهم عماد الدین ادريس - نویسنده عیون الاخبار در تاریخ ائمه اسماعیلی - توانست برابر هجوم زیدیان بایستد. او

در نهایت اسماعیلیان این ناحیه را به شمال غرب هند در احمد آباد، سدپور و پاتن و همین طور در جنوب در بندر سورت جای داد. اسماعیلیان بخش نجرانهمچنان در مراکز استقرار خویش باقی ماندند و تا به امروز بخشی در درون یمن و بخشی در عربستان سعودی زندگی می کنند. از سال ۹۹۹ میان طیبیان اختلاف افتاده، یمنی ها، سلیمان هندی را به جانشینی داعی مطلق برگزیدند و هندیان، داود بن قطب شاه را. بدین ترتیب اسماعیلیان یمن سلیمانی شدند و هندی ها داودی. هر چند اندکی از سلیمانی ها در احمد آبادگجرات هند نیز می زیستند. از سال ۱۰۵۰ این منصب در خاندان مکرمی قرار گرفت که تا به امروز ادامه دارد. در یک مقطع به سال ۱۱۷۷ آنان توانستند پایگاه کهن خویش در ارتفاعات حراز را به دست آورند که عثمانی ها آن را باز پس گرفتند.

با این حال اسماعیلیان یمن یا سلیمانی ها بخشی در حراز و بخش های بیشتری در نجران هستند. امام آنان شرفی حسین بن حسن مکرمی که از سال ۱۳۹۶ منصب داعی مطلق را دارد، در نجران سعودی به سر می برد.

طیبی های هند که داود بن قطب شاه را داعی بیست و هفتم خود می دانند به داودی شهرت یافتند. بدین ترتیب طیبی ها به گروه سلیمانی (یمنی ها) و داودی ها (هندی ها) تقسیم شدند. اسماعیلیه مستعلوی هند از عنوان بُهره (به معنای بازرگان) برای خود استفاده کرده و در بسیاری نقاط به همین نام شهرت دارند. آنان در سال ۱۷۸۵ سورت را مرکز خود قرار داده و داعی مطلق آنان یا به اصطلاح «ملاجی صاحب» ایشان در آنجا استقرار یافت. امروزه گجرات مرکز اصلی آنان به حساب می آید. یکی از آخرین آمارها درباره آنان، جمعیت ایشان را نیم میلیون نفر در هند می داند که نیمی از ایشان در گجرات هستند (تشیع هالم: ۳۳۷-۳۳۸).

گفتنی است که پس از نابودی دولت فاطمی، فرقه مستعلویه از اسماعیلیه تنها در شاخه طیبی ها باقی مانده است. خوجه های هند ارتباطی با بهره ها نداشته و شاخه ای از آقاخانیه اند که در واقع از نزاری ها به شمار می آیند. این گروه از دیر زمان در هندبه خصوص در مولتان و گجرات زندگی کرده و می کنند.

در اوائل قرن بیستم شماری از آنان به مذهب امامی گرویدند که تا کنون بر این مذهب پایدارند. درباره این گروه ضمن بحث از تشیع در کشورهای افریقایی سخن خواهیم گفت.

امامان شیعیان مستعلوی طیبی

ردیف	نام امام	وفات هـ / م	محل وفات (شهر / کشور)
۱	امام الحسن الزکی (ع)	۶۶۹ / ۴۹	مدینه - عربستان
۲	امام الحسین التقی (ع)	۶۸۰ / ۶۱	کربلا - عراق
۳	امام علی زین العابدین (ع)	۷۱۲ / ۹۴	مدینه - عربستان
۴	امام محمد الباقر (ع)	۷۳۲ / ۱۱۴	مدینه - عربستان
۵	امام جعفر الصادق (ع)	۷۶۵ / ۱۴۸	مدینه - عربستان
۶	امام اسماعیل الوفی	- / -	مدینه - عربستان
۷	امام محمد الشاکر	- / -	فرقانه - ایران
۸	امام عبدالله الراضی	- / -	سَلَمِیه - سوریه
۹	امام احمد التقی	- / -	سَلَمِیه - سوریه
۱۰	امام الحسین الزکی	- / -	عسکر مکرم - ایران
۱۱	امام عبیدالله المهدی	۹۳۴ / ۳۲۲	مهدیه - تونس
۱۲	امام محمد القائم	۹۴۶ / ۳۳۳	مهدیه - تونس
۱۳	امام اسماعیل المنصور	۹۵۳ / ۳۴۱	منصوریه - تونس
۱۴	امام معد المعز	۹۷۵ / ۳۶۵	قاهره - مصر
۱۵	امام نزار العزیز	۹۹۶ / ۳۸۶	قاهره - مصر
۱۶	امام الحسین الحاکم	۱۰۲۱ / ۴۱۱	-
۱۷	امام علی الظاهر	۱۰۳۶ / ۴۲۷	قاهره - مصر
۱۸	امام معد المستنصر	۱۰۹۴ / ۴۸۷	قاهره - مصر
۱۹	امام احمد المستعلی	۱۱۰۱ / ۴۹۵	قاهره - مصر
۲۰	امام منصور الأمر	۱۱۳۲ / ۵۲۶	قاهره - مصر
۲۱	امام الطیب	- / -	غایب می باشد

داعیان مشترک میان بُہرہ داوودی و بُہرہ سلیمانی

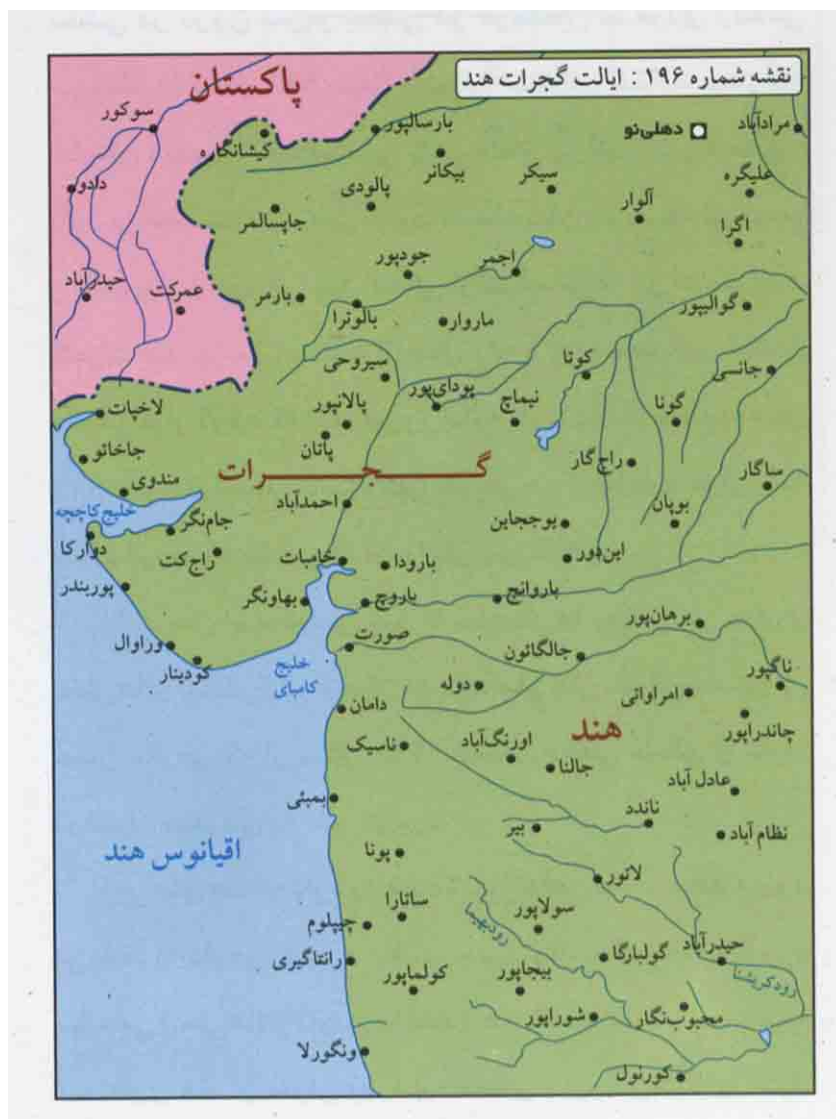
ردیف	نام امام	وفات ھ / م	محل وفات (شہر / کشور)
۱	ذوئیب بن موسیٰ الوادعی الہمدانی	۱۱۵۱ / ۵۴۶	حاس - یمن
۲	ابراہیم بن الحسین الحامدی	۱۱۶۲ / ۵۵۷	قایل بانی حمید - یمن
۳	حاتم محی الدین بن ابراہیم الحامدی	۱۱۹۹ / ۵۹۶	احطیب - یمن
۴	علی بن حاتم الحامدی	۱۲۰۹ / ۶۰۵	صنعا - یمن
۵	علی بن محمد بن جعفر بن ابراہیم بن ولید	۱۲۱۵ / ۶۱۲	حراز - یمن
۶	علی بن حنظلہ بن ابی سالم محفوظی الوادعی	۱۲۲۹ / ۶۲۶	ہمدان - یمن
۷	احمد مبارک بن ولید	۱۲۳۰ / ۶۲۷	صنعا - یمن
۸	حسین بن علی بن محمد بن جعفر بن ابراہیم بن ولید	۱۲۶۸ / ۶۶۷	صنعا - یمن
۹	علی بن حسین بن علی بن محمد بن جعفر بن ابراہیم بن ولید	۱۲۸۴ / ۶۸۲	صنعا - یمن
۱۰	علی بن حسین	۱۲۸۷ / ۶۸۶	صنعا - یمن
۱۱	ابراہیم بن حسین بن ولید	۱۳۲۸ / ۷۲۸	حسین افیدا - یمن
۱۲	محمد بن حاتم	۱۳۲۹ / ۷۲۹	حسین افیدا - یمن
۱۳	علی شمس الدین بن حاتم	۱۳۴۵ / ۷۴۶	زامار مار - یمن
۱۴	عبدالمطلب بن محمد	۱۳۵۴ / ۷۵۵	زامار مار - یمن
۱۵	عباس بن محمد	۱۳۷۸ / ۷۷۹	افیدا - یمن
۱۶	عبدالله فخر الدین بن علی	۱۴۰۷ / ۸۰۹	زامار مار - یمن
۱۷	حسن برہان الدین بن عبدالله	۱۴۱۸ / ۸۲۱	زامار مار - یمن
۱۸	علی شمس الدین بن عبدالله بن ولید	۱۴۲۸ / ۸۳۲	شریقا - یمن
۱۹	ادریس عماد الدین	۱۴۶۸ / ۸۷۲	شیبام - یمن
۲۰	حسن برہان الدین بن ادریس	۱۵۱۲ / ۹۱۸	ماسار - یمن
۲۱	حسین حسام الدین بن ادریس	۱۵۲۷ / ۹۳۳	ماسار - یمن
۲۲	علی شمس الدین بن حسین بن ادریس	۱۵۲۷ / ۹۳۳	ماسار - یمن
۲۳	محمد عزالدین بن حسن بن ادریس	۱۵۳۹ / ۹۴۶	زابید - یمن
۲۴	یوسف نجم الدین بن سلیمان	۱۵۶۷ / ۹۷۴	طیبہ - یمن
۲۵	جلال شمس الدین بن حسن	۱۵۶۷ / ۹۷۵	احمد آباد - ہند
۲۶	داوود برہان الدین بن عجب شاہ	۱۵۹۱ / ۹۹۹	احمد آباد - ہند

داعیان فرقه سلیمانی بعد از داعی بیست و ششم

ردیف	نام داعی	وفات (قمری / میلادی)
۲۷	سلیمان بن حسن	۱۵۹۷/۱۰۰۵
۲۸	جعفر بن سلیمان	۱۶۴۰ / ۱۰۵۰
۲۹	علی بن سلیمان	۱۶۷۷ / ۱۰۸۸
۳۰	ابراهیم بن محمد بن فهومکرمی	۱۹۸۳ / ۱۰۹۴

ردیف	نام داعی	وفات (قمری / میلادی)
۳۱	محمد بن اسماعیل	۱۶۹۷ / ۱۱۰۹
۳۲	هبة الله بن ابراهیم مکرمی	۱۷۴۷ / ۱۱۶۰
۳۳	اسماعیل بن هبة الله	۱۷۷۰ / ۱۱۸۴
۳۴	حسن بن هبة الله	۱۷۷۵ / ۱۱۸۹
۳۵	عبدالعلی	۱۷۸۱ / ۱۱۹۵
۳۶	عبدالله بن علی	۱۸۱۰ / ۱۲۲۵
۳۷	یوسف بن علی	۱۸۱۹ / ۱۲۳۴
۳۸	حسین بن حسین	۱۸۲۶ / ۱۲۴۱
۳۹	اسماعیل بن محمد	۱۸۴۰ / ۱۲۵۶
۴۰	حسن بن علی	۱۸۴۶ / ۱۲۶۲
۴۱	حسن بن اسماعیل	۱۸۷۲ / ۱۲۸۹
۴۲	احمد بن اسماعیل	۱۸۸۹ / ۱۳۰۶
۴۳	عبدالله بن علی	۱۹۰۵ / ۱۳۲۳
۴۴	علی بن هبة الله	۱۹۱۳ / ۱۳۳۱
۴۵	علی بن محسن	۱۹۳۶ / ۱۳۵۵
۴۶	حسام الدین حاج غلامحسین	۱۹۳۸ / ۱۳۵۷
۴۷	الشرفی الحسین بن احمد	/ ۱۳۵۸
۴۸	علی بن الحسین بن احمد	/ ۱۳۹۶
۴۹	علی بن الحسن الکرمی	/ ۱۴۱۳
۵۰	حسین بن اسماعیل بن احمد	داعی فعلی

نقشه شماره ۱۹۶: گجرات



داعیان فرقہ داوودی بعد از داعی بیست و ششم

داعیان فرقہ داوودی بعد از داعی بیست و ششم

ردیف	نام داعی	وفات (قمری)	وفات (میلادی)	محل وفات (شهر / کشور)
۲۷	داوود برهان الدین بن قطب شاه	۱۰۲۱	۱۶۱۲	احمد آباد - هند
۲۸	شیخ آدم صفی الدین	۱۰۳۰	۱۶۲۱	احمد آباد - هند
۲۹	عبدلطیف زکی الدین	۱۰۴۱	۱۶۳۱	احمد آباد - هند
۳۰	علی شمس الدین	۱۰۴۲	۱۶۳۲	حسین افیدا - یمن
۳۱	قاسم خان زین الدین	۱۰۵۲	۱۶۴۲	احمد آباد - هند
۳۲	قطب خان قطب الدین	۱۰۵۶	۱۶۴۶	احمد آباد - هند
۳۳	پیر خان شجاع الدین	۱۰۶۵	۱۶۵۵	احمد آباد - هند
۳۴	اسماعیل بدرالدین بن ملراج	۱۰۸۵	۱۶۷۴	جام نگر - هند
۳۵	عبدلطیف زکی الدین	۱۱۱۰	۱۶۹۹	جام نگر - هند
۳۶	موسی کلیم الدین	۱۱۲۲	۱۷۱۰	جام نگر - هند
۳۷	نور محمد نور الدین بن موسی کلیم الدین	۱۱۳۰	۱۷۱۸	ماندوی - هند
۳۸	اسماعیل بدرالدین بن شیخ آدم صفی الدین	۱۱۵۰	۱۷۳۷	جام نگر - هند
۳۹	ابراهیم وجیه الدین	۱۱۶۸	۱۷۵۴	اوجاین - هند
۴۰	هیب الله المؤید فی الدین	۱۱۹۳	۱۷۷۹	اوجاین - هند
۴۱	عبدلطیف زکی الدین بن اسماعیل بدرالدین	۱۲۰۰	۱۷۸۵	برهان پور - هند
۴۲	یوسف نجم الدین بن عبدلطیف زکی الدین	۱۲۱۳	۱۷۹۸	سورات - هند
۴۳	عبد علی سیف الدین	۱۲۳۲	۱۸۱۷	سورات - هند
۴۴	محمد عزالدین	۱۲۳۶	۱۸۲۱	سورات - هند
۴۵	طیب زین الدین بن شیخ جیوانجی اورنگ آبادی	۱۲۵۲	۱۸۳۷	سورات - هند
۴۶	محمد بدر الدین	۱۲۵۶	۱۸۴۰	سورات - هند
۴۷	عبدالقادر نجم الدین	۱۳۰۲	۱۸۸۵	اوجاین - هند
۴۸	عبدالحسین حسام الدین	۱۳۰۸	۱۸۹۱	احمد آباد - هند
۴۹	محمد برهان الدین عبدالقادر نجم الدین	۱۳۲۳	۱۹۰۶	سورات - هند
۵۰	عبدالله بدر الدین بن عبدالحسین حسام الدین	۱۳۳۳	۱۹۱۵	سورات - هند
۵۱	طاهر سیف الدین بن محمد برهان الدین	۱۳۸۵	۱۹۶۵	مومبای - هند
۵۲	محمد برهان الدین بن طاهر سیف الدین	-	-	(داعی فعلی)